

مجله علمی پژوهشی «پژوهش‌های برنامه‌درسی»

انجمن مطالعات برنامه‌درسی ایران

دوره دوازدهم، شماره دوم، پیاپی ۲۴، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

صفحه‌های ۲۰۲-۲۲۳

فهم پدیدارشناسانه تجارب زیسته اساتید دانشگاه فرهنگیان از روش‌های تدریس،

آشنایی با زبان هنر، آشنایی با فناوری و آشنایی با تحلیل رفتارآموزشی فراگیران

در برنامه‌درسی اجرا شده رشته آموزش ابتدایی

مریم صیدی^۱، فائزه ناطقی^۲، محمد سیفی^۳، علیرضا فقیهی^۴

چکیده

این پژوهش با هدف فهم تجارب زیسته اساتید در مورد چهار مولفه‌ی روش‌های تدریس، آشنایی با زبان هنر، آشنایی با فناوری و آشنایی با تحلیل رفتار آموزشی فراگیران در برنامه‌درسی اجرا شده رشته آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان انجام گرفت. رویکرد پژوهش کیفی و روش پژوهش پدیدارشناسی توصیفی مبتنی بر نظریه Husserl بود. داده‌های پژوهش با روش نمونه‌گیری هدفمند و با استفاده از مصاحبه نیمه ساختارمند با ۲۵ نفر از مدرسان دانشگاه فرهنگیان اراک صورت گرفت. تحلیل داده‌ها به روش توصیفی مبتنی بر رویکرد Colaizzi (2002) بود که با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا ۱۲ اجرا گردید. یافته‌های پژوهش حاکی از آن بود که تجارب زیسته اساتید از برنامه‌درسی اجرا شده برای دانشجویان در رابطه با روش‌های تدریس در چهار مقوله اصلی «شناخت راهبردهای تدریس»، «تجربه تدریس موضوعی»، «تجربه اجرای روش تدریس اکتشافی»، «تجربه اجرای روش تدریس فعال»، در رابطه با کاربرد زبان هنر شش مقوله اصلی «آشنایی با زبان هنر»، «تقویت قابلیت‌های دانش‌آموزان»، «تعلیم و تربیت»، «آموزش کلاس»، «کنترل هیجان‌های دانش‌آموزان» و «توسعه حرفه‌ای»، در رابطه با بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات چهار مقوله اصلی «غنی‌سازی آموزش»، «توسعه حرفه‌ای خود»، «آموزش و تدریس»، «ایجاد فرصت‌های یادگیری»، در رابطه با تحلیل رفتار آموزش فراگیران چهار مقوله اصلی «بهره‌برداری بهینه از فرصت‌ها و موقعیت‌های رفتار آموزشی»، «توانایی تحلیل رفتار آموزشی»، «توانایی گردآوری شواهد تحصیلی» و «توانایی ارائه بازخورد مناسب وضعیت تحصیلی» شناسایی شد. بر اساس یافته‌های پژوهش، آموزش آگاهانه برای تقویت دانشجویان دانشگاه فرهنگیان در فهم معانی آن‌چه تدریس می‌شود، امری ضروری است. توجه در آموزش و شناخت معنای آن‌چه مورد توجه قرار گرفته است، به آنان «فرصتی برای عمل مناسب» به عنوان یک معلم می‌دهد و استفاده از زبان هنر، فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و مهارت‌های تحلیلی در آموزش در تقویت قابلیت‌های دانش‌آموزان و کنترل و تخلیه هیجان‌های دانش‌آموزان می‌تواند فرصت‌های یادگیری ویژه‌ای را در برنامه‌درسی دانشگاه فرهنگیان به خود اختصاص دهد.

واژه‌های کلیدی: تجارب زیسته اساتید، پدیدارشناسی، برنامه‌درسی اجرا شده، رشته آموزش ابتدایی، اهداف

قصدشده‌ی برنامه‌درسی

۱. مربی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، اراک، ایران (نویسنده مسئول) m.saydi2013@gmail.com

۲. استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران Fn1345@gmail.com

۳. استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران sefiarak@gmail.com

۴. استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران Faghiihialireza@yahoo.com

مقدمه

یکی از عوامل بسیار مهم در توسعه و پیشرفت هر کشور، توسعه و تربیت نیروی انسانی است و در این راستا، نظام آموزشی و در رأس آن معلمان، به‌عنوان رکن اساسی تعلیم و تربیت، وظیفه‌ی خطیری برعهده دارند. صاحب‌نظران تعلیم و تربیت با اتفاق نظر، معتقدند بزرگ‌ترین و دقیق‌ترین برنامه‌های آموزش و پرورش در سطوح گوناگون جز با داشتن معلمانی توانمند و کارآمد امکان‌پذیر نیست (Dehghan & Mehram, 2016). از طرفی، معلمان برای ایفای هر چه بهتر و موثرتر نقش خود، باید واجد شایستگی‌ها و قابلیت‌های لازم، مهارت‌های حرفه‌ای و آگاهی نسبت به نیازهای جامعه باشند (Jabbari, 2020). در نتیجه، سرمایه‌گذاری برای تربیت و تأمین معلمان اثربخش و کارآمد، سودمندترین نوع سرمایه‌گذاری به شمار می‌رود و هرگونه تلاش در این زمینه، در واقع ارزشمندترین حرکت در جهت ارتقای نظام آموزشی تلقی می‌شود. از این رو گسترش و ارتقای اثربخشی نهادها و سازمان‌هایی که وظیفه تعلیم و تربیت معلمان را برعهده داشته باشند از مهم‌ترین وظایف مدیران عالی آموزش و پرورش و سیاست‌گذاران هر کشوری محسوب می‌گردد (Kazemi & Shahmirzadi, 2010). یکی از این نهادها، دانشگاه فرهنگیان است که از اهمیت و جایگاهی متعالی برخوردار است (Amrullah & Hakimzadeh, 2014) و برون‌داد آن با توجه به مأموریت و رسالتی که بر اساس اسناد قانونی برعهده آن گذاشته شده است، تربیت معلمانی کارآمد، باتجربه، توانمند، ارزشی و معتقد به اصول و مبانی دینی و اخلاقی است (Asadi & Garmaroodi & Sharifzadeh, 2013). دانشگاه فرهنگیان در ایران نیز با تعاملی که با وزارت آموزش و پرورش داشته است، بر اساس نیازمندی‌های این وزارت، رشته‌های تحصیلی و برنامه‌های درسی خود را سامان داده است تا خروجی آن معلمانی آماده برای ایفای نقش در مدارس کشور باشد (Hazeghi & Rad, 2015).

پژوهش‌های متعددی در حوزه برنامه‌های درسی و عناصر آن در دانشگاه فرهنگیان صورت گرفته است. Eslami, Musapour, & Sadeghi (2021) در پژوهش خود دریافتند که اساتید منطق برنامه کارآموزی را قابل قبول ارزیابی می‌کنند، هدف‌های برنامه را مناسب می‌دانند و معتقدند روش پیش‌بینی شده این برنامه دارای قابلیت اثربخشی است و طرح مناسبی برای ارزشیابی از آثار برنامه و یادگیری کارآموزان، تدارک شده است. با وجود این، آنان گزارش کردند که برنامه کارآموزی دارای کاست‌هایی است که اصولاً مربوط به مرحله اجراست. از نظر آنان، اجرای برنامه کارآموزی با مسائلی از جمله ضعف آموزش دست‌اندرکاران اجرایی برنامه از جمله معلم راهنما، مدیران گروه‌ها و کارشناسان مربوط مواجه است. هم‌چنین Aguas (2020) در پژوهش خود از پیچیدگی و دشواری تغییرات آموزشی در سطح کلاس درس سخن می‌گوید و به ویژه، آموزش‌های کلاس درس معلمان نه ایده‌های برنامه‌درسی رسمی را و نه باورهای مورد حمایت خود را منعکس می‌کنند. این مطالعه به ضرورت گسترش فضا برای استقلال معلمان برای دستیابی به انطباق متقابل معنادارتر در اجرای برنامه‌درسی اشاره می‌کند.

Barnes & Adrienn (2018) نیز در پژوهش خود با عنوان «بهبود تربیت معلم با رویکرد تغییر محتوای درسی گرایش پیش‌دبستانی» مطالعه‌ای تجربی را اجرا نمود. در این پژوهش برنامه تغییر محتوای درسی تربیت معلم از نظر روش‌های تدریس، دانش‌آموز محوری، کاهش روش سخنرانی عملیاتی گردید. در پایان دوره مشاهده گردید دانشجویان معلمان از نظر کسب صلاحیت‌های حرفه‌ای و آمادگی برای تدریس رسمی در مدارس پیشرفت معنی‌داری داشته‌اند. در پیشنهادات این پژوهش ترویج این برنامه در بلندمدت بر اساس آموزش‌های دانش‌آموز محور مورد تأکید قرار گرفته است. همچنین بهبود تربیت معلم از طریق اصلاح برنامه‌های درسی برای گرایش‌های دوره ابتدایی و متوسطه نیز توصیه شده است. همچنین Sentence (2017) در یافته‌های خود آورده است رویکردهای مهم آموزش برای تدریس معلمان که در نهایت برای حمایت دانش‌آموزان به کار گرفته می‌شود، دارای پنج عنصر کلیدی است. این موارد عبارت‌اند از: فعالیت‌های موردی غیرفعال، زمینه‌سازی وظایف، مشارکت در یادگیری، توسعه تفکر محاسباتی و برنامه‌ریزی کاربست وظایف که این عناصر می‌توانند به عنوان استراتژی‌های حمایت‌کننده تدریس معلمان و یادگیری دانش‌آموزان مورد توجه برنامه‌ریزان درسی قرار گیرند.

Qureshi (2017) نیز در پژوهش کیفی خود با عنوان تجارب حرفه‌ای دانشجویان معلمان و توسعه کشور گزارش داده است که دانشجویان معلمان احساس ساختن دانش‌آموزان را از طریق درج و توصیف حرفه‌ای خود تجربه می‌کنند. مزایای فعالیت‌های زیسته‌ی دانش‌آموزان ناشی از تجربه معنادار معلمان بوده است. زمینه و فرهنگ حاکم بر تعلیم و تربیت در تجارب توسعه حرفه‌ای معلمان تمرکز دارد. نقش معلمان علوم تجربی در ایالت پنجاب پاکستان فعالیت‌های توسعه حرفه‌ای آن‌ها را رقم زده است و تجارب زیسته‌ی معلمان و مشارکت فعال آنها در طراحی برنامه‌درسی بسیار ثمربخش و سازنده بوده است. Symeonidis (2018) نیز در یافته‌های خود گزارش داده است در فرایند یاددهی - یادگیری آن برنامه‌درسی سازنده است که رابطه بین تدریس و یادگیری را مورد تأکید قرار داده باشد. در برنامه‌درسی وقتی دانش‌آموزان در فرایند یادگیری مشارکت داده شده باشند، آن آموزش اثرگذار می‌شود و اگر این نکته لحاظ نشده باشد، آموزش بی‌اثر می‌گردد. بنابراین محتوای برنامه‌درسی پیوند میان تدریس و یادگیری است و تجارب زیسته‌ی معلمان نیز بر همین پیوند تأکید داشته است و در یافته‌های پژوهش خود آورده است که مهم‌ترین چالش‌های روش‌های تدریس در دو مفهوم ناکارآمدی‌های فنی و حرفه‌ای بوده است. در بخش ناکارآمدی‌های فنی، روش تدریس و مدیریت زمان بیشترین فراوانی را داشته است و در بخش ناکارآمدی‌های حرفه‌ای مقوله‌های دانش، محتوا و ارزشیابی بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است (Hazeghi Rad, 2015).

ShahTalebi & Tasdighi (2015) در پژوهش خود با عنوان ارزیابی برنامه‌درسی دانشگاه فرهنگیان گزارش داده است هر یک از عناصر نه‌گانه برنامه‌درسی شامل هدف، محتوا، فعالیت‌های یادگیری، روش‌های تدریس، مواد و منابع آموزشی، گروه‌بندی، مکان، زمان و ارزشیابی با نیازهای آموزشی

معلمان در سطح بالایی متوسط هم‌خوانی دارند. مهم‌ترین ویژگی‌های یک برنامه‌درسی موثر و کارآمد وجود هم‌خوانی و هماهنگی درونی میان عناصر تشکیل دهنده‌ی آن برنامه است. به همین جهت تمام کوشش برنامه‌ریزان درسی آن است که با نظارت بر فرآیند اجرای برنامه تا حد امکان بتوانند ارتباط سطوح قصد شده، اجرا شده و کسب شده برنامه را با یکدیگر تشخیص داده و از این طریق به کاهش فاصله بین سه برنامه قصد شده، اجرا شده و کسب شده کمک کنند.

با نگاهی به نتایج و یافته‌های پژوهش‌های انجام شده می‌توان دریافت که برنامه‌های درسی دانشگاه فرهنگیان در مرحله طراحی آن قابل قبول است، ولی در اجرا کاستی‌هایی وجود داشته است. این کاستی‌ها شامل کمبود فضا، زیر ساخت‌های فیزیکی و تجهیزاتی، نیروی انسانی متخصص می‌شدند که منجر به عدم توانایی و قابلیت دانش‌آموختگان در تحقق انتظارات برنامه‌درسی این دانشگاه می‌گشتند (Dehghan & Mehran, 2016). هم‌چنین، انطباق برنامه‌درسی قصد شده با نیازهای فراگیران و جامعه، توانایی ذهنی فراگیران، زمان اختصاص داده شده به آموزش و اجرای برنامه، فضا، امکانات و تجهیزات لازم برای اجرای برنامه یا به عبارت روشن‌تر آگاهی از دروندادهای لازم برای اجرای برنامه در عمل ضروری است؛ اما با فرض بودن تمام شرایط لازم برای اجرای برنامه قصد شده نمی‌توان فرآیند اجرای برنامه را نادیده گرفت و چنین فرض نمود که برنامه قصد شده در عمل به همان صورت که قصد شده است به اجرا درمی‌آید. برنامه در فرآیند اجرا به دلایل مختلف می‌تواند دچار تغییر شود، لذا با توجه به اهداف مطرح شده در برنامه‌درسی آموزش ابتدایی سوآلی که مطرح می‌گردد این است که آیا برنامه‌های درسی مطرح در این رشته بر اساس برنامه‌درسی قصد شده در سطح دانشگاه به اجرا در می‌آید؟ تجربه زیسته اساتید از روش‌های تدریس، آشنایی با زبان هنر، آشنایی با فناوری و آشنایی با تحلیل رفتار آموزشی فراگیران برنامه‌ی اجرا شده چگونه است؟ این‌ها مسائلی است که انگیزه انجام پژوهش حاضر را با محوریت برنامه‌های درسی رشته آموزش ابتدایی فراهم آورده است.

از سوی دیگر، مطالعات مقدماتی در راستای نگارش طرح پژوهش حاضر نشان داد اغلب مطالعاتی که در راستای ارزیابی برنامه‌درسی اجرا شده رشته آموزش ابتدایی در تربیت معلم انجام گرفته است، شیوه‌ای کمی داشته، از طریق تحلیل داده‌های کمی درصدد توصیف داده‌های فراهم شده برآمده‌اند، اما برنامه‌ریزی درسی خود شامل سازماندهی یک سری از فعالیت‌های یاددهی-یادگیری با هدف ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار یادگیرندگان و ارزیابی میزان تحقق این تغییرات است (Qurani Sirjani et al, 2022). بر اساس دیدگاه (Djuwairiah, Mardiana & Kaharuddin, 2021) و (Hill, Barrasso & Spilios, 2023) موفقیت یک برنامه‌درسی به تجربیات شرکت کنندگان آن (اعضای هیئت علمی و دانشجویان) گره خورده است. بنابراین فهم ادراکات اساتید از برنامه‌درسی برای ایجاد تغییرات در برنامه و تضمین نتایج مثبت مهم است. بر همین اساس، این پژوهش به دنبال فهم پدیدارشناسانه تجارب زیسته مدرسان از روش‌های تدریس، آشنایی با زبان هنر، آشنایی با فناوری و آشنایی با تحلیل رفتار آموزشی

فراگیران در برنامه‌درسی اجرا شده‌ی رشته آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان است و سوال اصلی پژوهش این است که تجارب زیسته مدرسان از روش‌های تدریس، آشنایی با زبان هنر، آشنایی با فناوری و آشنایی با تحلیل رفتار آموزشی فراگیران در برنامه‌درسی اجرا شده‌ی رشته آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان چیست؟

و سؤالات فرعی پژوهش عبارتند از:

- ۱) تجارب زیسته (اساتید) در ارتباط با چگونگی فرصت‌های ایجاد شده جهت آشنایی دانشجویان با روش‌های تدریس در حوزه‌های موضوعی دوره ابتدایی چیست؟
- ۲) تجارب زیسته (اساتید) در ارتباط با چگونگی فرصت‌های ایجاد شده با زبان هنر جهت آشنایی دانشجویان با پرورش ظرفیت‌هایی چون قوه تخیل، تصور، تفکر در فراگیران چیست؟
- ۳) تجارب زیسته (اساتید) در ارتباط با چگونگی فرصت‌های ایجاد شده جهت آشنایی دانشجویان با بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای خلق/ غنی‌سازی فرصت‌های آموزشی/ تربیتی و توسعه توانایی‌های حرفه‌ای خود چیست؟
- ۴) تجارب زیسته (اساتید) در مورد فرصت‌های ایجاد شده جهت آشنایی دانشجویان با حفظ سوابق و شواهد جمع‌آوری شده، ارائه بازخورد و تحلیل رفتار آموزشی دانش‌آموزان چیست؟

روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق به لحاظ هدف کاربردی بوده است و به لحاظ رویکرد جزء تحقیقات کیفی بوده که با تأکید بر روش پدیدارشناسی توصیفی Husserl انجام گردید. در این رویکرد تلاش می‌شود تا معانی ساخته شده و نسبت داده شده به پدیدارهای مختلف ادراک و کشف شوند و برای تصمیم‌گیری و عمل بهینه مورد استفاده قرار گیرند (Gul, 2011). این رویکرد در تحقیق حاضر مورد توجه بوده، مراحل سه‌گانه پدیدارشناسی Husserl یکی پس از دیگری اجرا گردید. این مراحل عبارت‌اند از ۱- درک پدیدارشناختی برنامه‌درسی اجرا شده رشته آموزش ابتدایی مقطع کارشناسی پیوسته دانشگاه فرهنگیان، ۲- تحلیل گفتگوهای مصاحبه‌شوندگان از پدیده‌های تجربه‌شده آن‌ها در اجرای برنامه‌درسی، ۳- توصیف داده‌های کیفی جمع‌آوری شده از مصاحبه‌های انجام گرفته که مشارکت کنندگان پژوهش را مدرسین رشته علوم تربیتی شاغل به تدریس در دانشگاه فرهنگیان اراک تشکیل دادند. در پاره‌ای از موارد از هر فرد مصاحبه‌شونده در چند نوبت گفتگو به عمل آمد. ملاک‌گزینش اساتید سابقه تدریس در رشته آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان بود. از این رو از گروه مدرسین دانشگاه فرهنگیان مصاحبه نیمه ساختاریافته به عمل آمد و تجارب زیسته آن‌ها جمع‌آوری گردید. سؤالات مصاحبه بر اساس اهداف برنامه‌درسی رشته آموزش ابتدایی کارشناسی پیوسته دانشگاه فرهنگیان طراحی شد. در دستورالعمل این دانشگاه که برای رشته ابتدایی تصویب و ابلاغ گردید (Asadi Garmaroodi & Sharifzadeh, 2013). در این رابطه

اهداف ده‌گانه‌ای برای تربیت معلم در این رشته در نظر گرفته شد. به منظور طراحی الگوی ابزار مصاحبه از کلیدواژه‌های مهم این اهداف کلان بهره‌برداری گردید.

لازم به ذکر است با توجه به این که در این پژوهش تجارب مدرسین در چهار مولفه روش‌های تدریس درحوزه‌های موضوعی دوره ابتدایی؛ چگونگی فرصت‌های ایجاد شده با زبان هنر جهت آشنایی دانشجویان با پرورش ظرفیت‌هایی چون قوه تخیل، تصور، تفکر در فراگیران؛ چگونگی فرصت‌های ایجاد شده جهت آشنایی دانشجویان با بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای خلق/ غنی‌سازی فرصت‌های آموزشی/ تربیتی و فرصت‌های ایجاد شده جهت آشنایی دانشجویان با حفظ سوابق و شواهد جمع‌آوری شده، ارائه بازخورد و تحلیل رفتار آموزشی دانش‌آموزان مد نظر بود، برای رسیدن به اشباع نظری در چهار مولفه، تا مصاحبه با ۲۵ نفر ادامه یافت.

جدول ۱- برنامه زمان‌بندی اجرای مصاحبه‌ها در دانشگاه فرهنگیان اراک

گروه مصاحبه‌شوندگان	دانشگاه محل مصاحبه
۱ مصاحبه با گروه اساتید برنامه‌ریزی درسی و دانشجویان آنها	پردیس شهید باهنر
۲ مصاحبه با گروه اساتید معارف تربیت اسلامی	پردیس شهید باهنر
۳ مصاحبه با گروه اساتید روش‌های تدریس موضوعی	پردیس شهید باهنر
۴ مصاحبه با گروه اساتید فناوری اطلاعات و ارتباطات	پردیس شهید باهنر
۵ مصاحبه با گروه اساتید برنامه‌ریزی درسی و هنر	پردیس زینب کبری
۶ مصاحبه با گروه اساتید معارف و تربیت اسلامی	پردیس زینب کبری
۷ مصاحبه با گروه اساتید روش‌های تدریس موضوعی	پردیس زینب کبری
۸ مصاحبه با گروه اساتید روش تحقیق و آمار سنجش و اندازه‌گیری	پردیس شهید باهنر
۹ مصاحبه با گروه اساتید روانشناسی	پردیس شهید باهنر
۱۰ مصاحبه با گروه اساتید هنر	پردیس شهید باهنر
۱۱ مصاحبه با گروه اساتید روش تحقیق و آمار سنجش و اندازه‌گیری	پردیس زینب کبری
۱۲ مصاحبه با گروه اساتید روانشناسی	پردیس زینب کبری
۱۳ مصاحبه با گروه اساتید فناوری اطلاعات و ارتباطات	پردیس زینب کبری

هم‌چنین به‌منظور توصیف داده‌ها در تحقیق حاضر از مراحل سه‌گانه Husserl پیروی گردید. در مرحله نخست به درک پدیدارشناختی از برنامه‌درسی اجرا شده رشته آموزش ابتدایی دوره کارشناسی دانشگاه فرهنگیان پرداخته شد تا کشف تجارب مشترک افراد از پدیده‌های این برنامه‌درسی صورت پذیرد. در این مرحله طرح سؤالات جزئی و یا پیامد پدیده‌ها برای طرح در مصاحبه‌ها سازمان‌دهی شدند؛ آن‌گاه مصاحبه‌های کیفی با گروه‌های مخاطب صورت گرفت، داده‌های فراهم آمده در یک مرحله تحلیل و در

مرحله‌ای دیگر مورد توصیف قرار گرفتند. در مرحله تحلیل باورها، برداشت‌ها و تجارب زیسته‌ی مصاحبه‌شوندگان به‌دور از هر گونه تعصب و قضاوت شخصی توصیف گردید تا لایه‌های مختلف برنامه‌درسی مذکور در قالب نقاط ضعف و قوت کارآمدی و پیامدها آشکار و طبقه‌بندی شوند. این مرحله با تعلیق Husserl تطبیق داشت. در مرحله توصیف آنچه که به‌عنوان داده‌های پالایش شده ناشی از اجرای مصاحبه‌ها و یا داده‌های ثبت شده در مشاهده‌ها به دست آمده، به اقتضای سؤالات پژوهش طبقه‌بندی و توصیف شدند. این مرحله همان مرحله تقلیل Husserl بود. در مرحله تقلیل پس از بازخوانی مجدد گزاره‌های فراهم شده موارد مشابه و هم معنی تقلیل داده شد. بنابراین روش تجزیه و تحلیل داده‌ها در پژوهش حاضر تحلیل - توصیفی مبتنی بر رویکرد پدیدارشناختی بود. در ادامه با استفاده از رویکرد هفت مرحله‌ای Colaizzi فرایند تحلیل ادامه یافت. این هفت مرحله شامل: خواندن دقیق متن و دریافت درکی کلی از آن، مشخص کردن صحبت‌های مهم، نوشتن معانی استخراج شده، دسته‌بندی خوشه‌های مضامین، نوشتن شرح جامع، نوشتن ساختار پدیده و چک کردن نتایج با شرکت‌کنندگان بود. به‌طور خلاصه استحکام داده‌ها در مطالعه‌ی کیفی یعنی حصول اطمینان از اینکه نتایج دقیقاً بیان‌کننده تجربیات شرکت‌کنندگان باشد. در این مطالعه برای استحکام داده‌ها از روش Colaizzi استفاده گردید «پرانترسازی» که مرحله مقدماتی در انجام دادن مطالعه‌ی فنومنولوژی است (Colaizzi (1978 و سایر مراحل که توسط نرم‌افزار MAXQDA12 تدارک شد به ترتیب اجرا گردید.

یافته‌های پژوهش

در این بخش یافته‌های پژوهش به ترتیب سؤالات پژوهش ارائه می‌گردد.

سؤال اول: تجارب زیسته (اساتید) در ارتباط با چگونگی فرصت‌های ایجاد شده جهت آشنایی

دانشجویان با روش‌های تدریس در حوزه‌های موضوعی دوره ابتدایی چیست؟

یافته‌های حاصل از تجارب زیسته مصاحبه‌شوندگان را می‌توان در چهار مقوله اصلی قرار داد

که عبارتند از: ۱- شناخت راهبردهای تدریس، ۲- تجربه تدریس موضوعی، ۳- تجربه اجرای روش

تدریس اکتشافی، ۴- تجربه اجرای روش تدریس فعال که در جدول شماره (۲) نشان داده شده

است.

جدول ۲- تجارب زیسته اساتید در ارتباط با چگونگی فرصت‌های ایجاد شده جهت آشنایی دانشجویان با روش‌های

تدریس در حوزه‌های موضوعی دوره ابتدایی

مقوله اصلی	مقوله فرعی	فراوانی مقوله اصلی
شناخت راهبردهای تدریس	گذراندن واحدهای متنوع برای پرداختن به روش‌های تدریس	۳۰
	تسلط دانشجویان به روش‌های تدریس یک محور اساسی در تربیت معلم	
	ارایه مبانی نظری تدریس	
	ارایه الگوهای تدریس	
	اجرای عملی تدریس	
	گزارش مشاهدات تدریس	
	مقایسه سناریوهای تدریس	
	پرداختن به مهارت‌های تدریس در صحنه کلاس درس	
	وجود فرصت‌های فراوان برای یادگیری و روش‌های تدریس	
	فهرستی از راهبردهای تدریس در درس روش‌های تدریس و فنون یادگیری	
	تمرین مدیریت کلاس در مدارس در درس کارورزی	
	مشاهده روش تدریس دوستان و نقد آن	
	تجربه فنون روش تدریس	
اجرای تدریس دانشجویان در حضور هم‌کلاسی و نقد استاد مربوطه		
تجربه‌ی هم‌اندیشی با یکدیگر، تبادل نظر با اساتید و گفتگو با معلمان راهنما		
ارتقا مهارت‌های حرفه‌ای با مراجعه به منابع، شبکه‌های اینترنت و پیگیری روش‌های علمی		
تجربه تدریس	آموزش شایستگی موضوعی برای انواع مواد درسی دوره ابتدایی	۶
موضوعی	تأکید بر کسب مهارت‌های تدریس در زمینه موضوع‌های مختلف	
	تدریس ۳۰ واحد درسی در زمینه روش‌های تدریس	
	گذراندن واحدهای متنوع بصورت عملی و نظری در مواد درسی مختلف روش‌های تدریس	
تجربه اجرای روش تدریس	تهیه طرح درس‌های مختلف در حوزه‌های موضوعی	۴
تدریس اکتشافی	اجرای عملی روش‌های تدریس اکتشافی	
تجربه اجرای روش تدریس	تأکید بر اجرای روش‌های فعال	۲
تدریس فعال	مشارکت دادن (دانشجو معلمان) در کلاس درس	

توصیف مفاهیم استخراج شده در مورد روش‌های تدریس حوزه‌های موضوعی دوره ابتدایی

تحلیل مفاهیم به دست آمده‌ی ناشی از اظهارات اساتید دانشگاه فرهنگیان نشان می‌دهد در رابطه با روش‌های تدریس چهار راهکار اساسی وجود داشته است. نخستین راهکار فراهم کردن فرصت‌هایی برای دانشجو معلمان بوده است که در آن به شناسایی راهبردهای تدریس بپردازند. محور اساسی این فعالیت واحدهای درسی بوده که با ارایه‌ی مبانی نظری تدریس و معرفی الگوهای تدریس آغاز گردیده، در ادامه برای دانشجو معلمان فرصت‌های عملی تدریس، گزارش مشاهدات تدریس و مقایسه سناریوهای یاددهی _ یادگیری، فراهم گردیده تا تجارب عملی تدریس را به دست آورند. کارورزی دانشجو معلمان

در مدارس از مهم‌ترین تجارب زیسته به شمار می‌رود. یکی از اساتید در مصاحبه‌ی خود به نقل از گزارش مشاهده شده‌ی دانشجویش نوشته بود:

«تدریس عملی در کلاس و زندگی با دانش‌آموز به طور روزانه فرایندی نیست که از طریق مطالعه و گذراندن واحدهای درسی تجربه شود، بلکه فرایندی عملی است که معلم کلاس در مواجهه با دانش‌آموزان در سایه‌ی جو صمیمانه به بهانه‌ی آموزش تجربه می‌کند. اگر این تجربه با عشق و دل‌سوزی و صبر و متانت توأم شود، کارآمد می‌شود. آنچه که در رفتار معلمان راهنما مشاهده گردید، چنین فرایندی بود که فقط در کلاس درس در مقابل دانش‌آموزان با تعهد کافی متجلی می‌شود».

این گفتار دانشجو معلم نشان می‌دهد که او ادراک درستی از نقش معلمی پیدا کرده، تداوم ایفای چنین نقشی را به خوبی برای خود ترسیم نموده و مشاهدات واقع بینانه‌ای را گزارش کرده که می‌تواند تشکیل دهنده‌ی بخشی از چشم انداز شغلی او باشد. بدیهی است که چنین شخصی خود را برای تسلط بر راهبردهای تدریس آماده کرده است.

راهکار دوم کدگذاری شده در تجارب زیسته‌ی اساتید، تجربه تدریس موضوعی بود. مفاهیم استخراج شده حاکی از آن است که در دانشگاه فرهنگیان به تناسب موضوع های درسی، تدریس‌های عملی تجربه شده است. گذراندن سی واحد درسی در قالب عناوینی چون فارسی، علوم تجربی، دینی، مطالعات اجتماعی، هنر و ریاضی تجارب ارزنده‌ای و در تدریس موضوعی بوده است. سومین راهکار اجرای روش تدریس اکتشافی بوده است که در قالب تهیه طرح درس و اجرای عملی آن مورد توجه بوده است. راهکار چهارم روش تدریس فعال بوده که از طریق مشارکت دادن فراگیران در کلاس و نیز اجرای عملی آن تجربه شده است. در مجموع می‌توان گفت در ارتباط با روش‌های تدریس تجارب ارزنده و سازنده‌ای به دانشجو معلم انتقال داده شده است.

بنابراین ۴۲ کدگذاری در قالب ۹ مقوله شناسایی شد، به طوری که در حوزه شناخت راهبردهای تدریس با فراوانی ۳۰ دارای بیشترین تکرار بوده است.

سؤال دوم: تجارب زیسته (اساتید) در ارتباط با چگونگی فرصت‌های ایجاد شده با زبان هنر جهت آشنایی دانشجویان با پرورش ظرفیت‌هایی چون قوه تخیل، تصور، تفکر در فراگیران چیست؟

در فرایند کدگذاری داده‌های این مفهوم، ۶ مقوله اصلی به دست آمد: ۱- آشنایی با زبان هنر، ۲- کاربرد زبان هنر در هر یک از موادی چون تقویت قابلیت‌های دانش‌آموزان، ۳- تعلیم و تربیت، ۴- آموزش کلاسی، ۵- کنترل هیجان‌های دانش‌آموزان، ۶- توسعه‌ی حرفه‌ای. در این جا به تفسیر داده‌های معطوف به هر یک از این موارد پرداخته می‌شود (جدول ۳).

جدول ۳- تجارب زیسته اساتید در ارتباط با چگونگی فرصت‌های ایجاد شده با زبان هنر جهت آشنایی دانشجویان با پرورش ظرفیت‌هایی چون قوه تخیل، تصور، تفکر در فراگیران

مقوله اصلی	مقوله های فرعی	فراوانی مقوله اصلی
آشنایی با زبان هنر	تیبین زبان هنر در طول ترم و ایجاد نگرش جدید به هنر آموزش زبان هنر با گذراندن واحدهای عملی و نظری	۴
کاربرد زبان هنر در تقویت قابلیت‌های دانش‌آموزان	ارائه کاربرد زبان هنر به دانشجو آموزش کاربرد هنر در تقویت قوه تخیل و تصور آموزش تصویربرداری و ترسیم پندارهای ذهنی در مخاطب به وسیله هنر آموزش ایجاد جلوه‌های ویژه از طریق هنر تقویت تفکر و تصور و خلاقیت دانش‌آموزان با استفاده از زبان هنر پرورش قدرت تخیل و خلاقیت فراگیران	۲۳
کاربرد زبان هنر در تعلیم و تربیت	آموزش هنر در سه حیطه شناختی، عاطفی و حرکتی ایجاد فرصت‌های یادگیری برای دانش‌آموزان در زبان هنر ترغیب دانشجو معلمان به استفاده از زبان هنر در طراحی پیش سازمان دهنده برنامه درسی آموختن روش کاربرد زبان هنر در کلاس، کوتاه مدت و بلندمدت	۷
کاربرد زبان هنر در آموزش کلاس	آموزش نرم افزارهای هنری استقبال دانشجویان از درس آموزش زبان هنر آموزش بزرگنمایی یا کوچکنمایی تصویر حیوانات از طریق زبان هنر آموزش هنر نمایش و قصه گویی برای تقویت تخیل دانش‌آموزان ساخت و بهره‌برداری انواع کولاژ و پازل برای تقویت قوه تصور دانش‌آموزان ایجاد جلوه های ویژه از طریق ساخت و طراحی پاور برای ایجاد موقعیت طراحی روش تدریس با تأکید بر زبان هنر تمرین تدریس درس فارسی ابتدایی به زبان هنر توسط دانشجو ایجاد موقعیت‌های آموزشی و تربیتی با استفاده از زبان هنر	۲۵
کاربرد زبان هنر در کنترل هیجان‌های دانش‌آموزان	آموزش استفاده صحیح از رنگ برای تقویت برانگیختگی دانش‌آموزان ایجاد خلاقیت هنری برای کنترل هیجانی دانش‌آموزان ایجاد توانایی در استفاده از زبان هنر برای توسعه حرفه‌ای خود	۸
کاربرد زبان هنر در توسعه حرفه ای	ایجاد جلوه‌های ویژه برای جذاب نمودن روش تدریس استفاده دانشجو از زبان هنر جهت تحلیل موقعیت‌های تربیتی خلاق آموزش سرود و موسیقی برای کنترل هیجان‌های دانش‌آموزان	۶

توصیف مفاهیم استخراج شده در مورد کاربرد زبان هنر

در مورد آشنایی با زبان هنر به تیبین زبان هنر در طول ترم پرداخته شده، تلاش شده بود تا دانشجویان نگرش جدیدی نسبت به هنر پیدا کنند. در این رابطه واحدهای درسی عملی و نظری که برای دانشجویان در نظر گرفته شده بود، ارایه گردید تا بدین ترتیب دانشجویان با زبان هنر آشنا شوند.

اولین کاربرد زبان هنر تقویت قابلیت‌های دانش‌آموزان بوده است. اساتید آموزش هنر تلاش نمودند تا کاربرد هنر در تقویت قوه تخیل و تصور را به دانشجویان بیاموزند. آموزش تصویربرداری برای ایجاد پندارهای ذهنی در دانش‌آموزان ارایه گردید. ایجاد جلوه‌های ویژه در محتوای درسی به دانشجویان آموزش داده شد. این باور که کاربرد هنر می‌تواند قابلیت‌های دانش‌آموزان را تقویت نماید، برای دانشجویان تبیین گردید.

در مورد کاربرد زبان هنر در تعلیم و تربیت به طور عام تلاش گردید تا حیطه‌های یادگیری شناختی، عاطفی و حرکتی برای دانشجویان تبیین شوند و تأثیر هنر در این حیطه‌های یادگیری عیان گردد. در همین رابطه فرصت‌های یادگیری با استفاده از هنر در هر یک از این حیطه‌ها تعریف و عملیاتی گردید و دانشجویان کارهای خود را ارایه دادند. برای دانشجویان استفاده از زبان هنر در راستای توسعه‌ی حرفه‌ای فعالیت‌هایی تعریف گردید که دانشجویان با اجرای آن‌ها توانستند قابلیت‌های حرفه‌ای خود را توسعه دهند و پس از آن برای استفاده از هنر در حین آموزش دانش‌آموزان ترغیب شوند.

در مورد کاربرد هنر در آموزش کلاسی برای دانشجویان فعالیت‌هایی از قبیل تولید نرم‌افزارهای هنری، بزرگ‌نمایی یا کوچک‌نمایی، تصویر حیوانات در محتوای درسی، بهره‌گیری از سرود و موسیقی برای تقویت قوه تخیل دانش‌آموزان، ساخت کولاژ و پازل برای تقویت قوه‌ی تصور دانش‌آموزان، استفاده از نقاشی و نگارگری برای تقویت قوه تفکر دانش‌آموزان، ایجاد جلوه‌های ویژه در ساخت پاورپوینت برای تقویت یادگیری دانش‌آموزان استفاده از زبان هنر در تدریس برای ایجاد جذابیت در کلاس، ایجاد موقعیت‌های آموزشی و تربیتی با استفاده از زبان هنر برای یادگیری تکمیلی دانش‌آموزان. به نظر می‌رسد تنوع کاربرد زبان هنر در آموزش‌های کلاسی موجب شده باشد که دانشجویان در این کاربرد تسلط پیدا کرده باشند.

در مورد کنترل هیجان‌های دانش‌آموزان با استفاده از زبان هنر چند تجربه‌ی زیسته مطرح شده بود. این موارد عبارتند از: استفاده صحیح از رنگ‌ها برای تقویت برانگیختگی دانش‌آموزان، استفاده از سرود و موسیقی برای کنترل هیجان‌های دانش‌آموزان، ایجاد خلاقیت‌های هنری برای تقویت و کنترل هیجان‌های دانش‌آموزان. اجرای این برنامه‌ها در کلاس‌های کارورزی که دانشجو معلمان به جای معلم راهنما عهده‌دار اداره کلاس بودند اجرا گردید. هم‌چنین در سناریونویسی مدیریت کلاس بهره‌برداری از زبان هنر جانمایی شد، حتی در دانشگاه فرهنگیان استفاده از انواع سازها در حین تدریس با توجه به ماهیت موضوعی درس اجرا شده است تا تأثیر آن بر یادگیری مخاطبان اعمال شده باشد. این تجربه با کسب مجوز رسمی از مراجع ذیصلاح انجام گرفت و به نظر می‌رسد کاربرد هنر از طریق تجارب مذکور توانسته باشد در یادگیری‌های معطوف به حیطه‌ی عاطفی سازنده بوده باشد.

از دیگر تجارب زیسته‌ی مطرح شده، کاربرد زبان هنر در توسعه‌ی حرفه‌ای دانشجو معلمان بوده است. در این رابطه توانایی ایجاد جلوه‌های ویژه در حین تدریس تمرین شده است که استفاده از زبان

هنر برای توسعه‌ی حرفه‌ای شناسایی و فهرست شده است. تحلیل موقعیت‌های تربیتی خلاق توسط دانشجویان تمرین شده است و چنین به نظر می‌رسد که تا حد قابل قبولی دانشجویان برای توسعه حرفه‌ای خود با استفاده از زبان هنر بهره‌برداری کرده باشند.

بنابراین در نهایت ۷۳ کدگذاری در قالب ۶ مقوله شناسایی شد، به طوری که در حوزه کاربرد زبان هنر در آموزش کلاس با فراوانی ۲۵ دارای بیشترین تکرار و بعد از آن کاربرد زبان هنر در تقویت قابلیت‌های دانش‌آموزان با تعداد ۲۳ بیشترین فراوانی را دارا بود.

سؤال سوم: تجارب زیسته (اساتید) در ارتباط با چگونگی فرصت‌های ایجاد شده جهت آشنایی دانشجویان با بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای خلق/غنی‌سازی فرصت‌های آموزشی/تربیتی و توسعه توانایی‌های حرفه‌ای خود چیست؟

در فرایند کدگذاری داده‌های معطوف به بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات، تعداد چهار مقوله اصلی بدین شرح شناسایی گردید: کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در هر یک از موارد ۱- غنی‌سازی آموزش، ۲- توسعه‌ی حرفه‌ای خود، ۳- آموزش و تدریس، ۴- ایجاد فرصت‌های یادگیری.

جدول ۴- تجارب زیسته اساتید در ارتباط با چگونگی فرصت‌های ایجاد شده جهت آشنایی دانشجویان با بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای خلق/غنی‌سازی فرصت‌های آموزشی/تربیتی و توسعه توانایی‌های حرفه‌ای

مقوله اصلی	مقوله های فرعی	فراوانی مقوله اصلی
کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در غنی‌سازی آموزش	ابتکارات دانشجو در کاربرد فناوری اطلاعات در کلاس	۱۵
	بهره‌برداری از فناوری اطلاعات برای غنی‌سازی فرصت آموزشی	
	تولید محتوای درسی جهت غنی‌سازی فرصت‌های آموزشی	
	غنی‌سازی در تمرین‌های عملی آن‌ها و تهیه اسلایدهای آموزشی	
کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در توسعه حرفه‌ای خود	تجربه تعامل با فراگیران برای غنی‌سازی یادگیری از طریق شبکه‌های الکترونیکی	۱۷
	ساخت پاورپوینت به عنوان یک بسته آموزشی درس خاص	
	معرفی فصل نامه آموزشی و پایگاه اطلاع رسانی جهت غنی‌سازی فرصت‌های یادگیری	
	تجربه تبادل نظر، کار گروهی و ارتباط با یکدیگر از طریق فناوری اطلاعات و ارتباطات	
کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در توسعه حرفه‌ای خود	تجربه ارزشیابی از فراگیران از طریق رایانه	۲۴
	بهره‌برداری از شبکه‌های اطلاعاتی برای تحقیق و پژوهش	
	تحلیل رفتار آموزشی فراگیران از طریق نرم‌افزارهای آماری	
	توسعه توانایی حرفه‌ای دانشجو در تهیه پاورپوینت و تدریس موضوعی	
تبادل اطلاعات، تحقیق و پژوهش، ایجاد جلوه‌های هنری در حوزه تدریس	استفاده دانشجویان از فناوری اطلاعات در طرح درس و اجرای آن	۲۴
	تجربه مهارت کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات توسط دانشجو	
	تجربه استفاده از نرم افزار، استفاده از شبکه‌های مجازی آموزشی در تدریس	
	تعامل و تبادل اطلاعات، تحقیق و پژوهش، ایجاد جلوه‌های هنری در حوزه تدریس	

کاربرد فناوری	علاقه دانشجوی به استفاده از فناوری در اداره کلاس و مدیریت زمان
اطلاعات و ارتباطات	تجارب زیسته دانشجوی در تهیه پاورپوینت، مقاله، طرح تحقیق، گزارش
در آموزش و تدریس	گذراندن مهارت هفتگانه ICDL توسط دانشجوی بعنوان تجربه شخصی مشاهده استفاده از فناوری اطلاعات توسط معلم راهنما در مدارس استفاده از دستگاه دیتا برای تدریس بهره‌برداری از فناوری اطلاعات و ارتباطات توسط دانشجو در کلاس مهارت طراحی یکی برنامه‌درسی به صورت نرم افزار و یا پاورپوینت جهت تدریس
کاربرد فناوری	مهارت دانشجو در به‌کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات در کلاس
اطلاعات و ارتباطات	استفاده از نرم افزارها برای ایجاد فرصت‌های یادگیری، پرسش و پاسخ، کسب امتیاز، ارزیابی
در ایجاد فرصت‌های یادگیری	تشخیص مراجعه به پایگاه‌های آموزشی در شبکه‌ها جهت ایجاد فرصت‌های آموزش ایجاد فرصت‌های آموزشی برای دانش‌آموزان به دانشجومعلم با نمایش تصویر، متن، تمرین

۶

توصیف مفاهیم استخراج شده در مورد بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات

در مورد غنی‌سازی آموزش دانشجویان تلاش نمودند ابتکارات خود را در کاربرد سخت افزاری و نرم افزاری فناوری اطلاعات به نمایش بگذارند. در اجرای کارهای عملی و در طرح درس‌های خود بهره‌برداری مستقیم و غیرمستقیم از این تکنولوژی را لحاظ نمایند. در ایجاد فرصت‌های آموزشی به تولید محتوای درسی بپردازند. برای تمرین‌های عملی یادگیری به ساخت اسلاید آموزشی مبادرت نمایند. در راستای غنی‌سازی یادگیری از شبکه‌های الکترونیکی بهره‌برداری نمایند. در همین راستا از پایگاه‌های اطلاع‌رسانی مفید آموزشی استفاده نمایند. به اعتراف اساتید مصاحبه شونده، آن ساعت درسی که دانشجویان موظف بودند از دستگاه دیتا و متعلقات آن برای ارایه ابتکارات و کارهای عملی خود بهره‌برداری نمایند، با اشتیاق تمام در کلاس حاضر می‌شدند، دانشجو کار خود را ارایه می‌داد و هم‌کلاسان او به نقد، ترغیب و تشویق و ارزیابی کار او می‌پرداختند، قابل ذکر است محصولات محتوایی و آموزشی ساخته شده‌ی دانشجویان دستاوردهایی بود که در مدارس ابتدایی کاربرد خواهد داشت.

توسعه‌ی حرفه‌ای از دیگر تجاربی بوده است که از طریق بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات تجربه گردید. این تجارب عبارت‌اند از: کار گروهی تولید محتوای الکترونیکی، استفاده از پایگاه‌های اطلاعاتی، ارزیابی از فراگیران از طریق رایانه، بهره‌برداری از شبکه‌ها در پژوهش، تحلیل رفتار آموزشی فراگیران از طریق نرم‌افزار، تولید انواع پاور برای تدریس موضوعی. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات توانسته است گام مؤثری در جهت توسعه‌ی حرفه‌ای دانشجو معلم باشد. کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش و تدریس مجموعه تجارب دیگری را به خود اختصاص داده بود. دانشجومعلم در طول ترم با استفاده از راهنمایی اساتید طرح درس‌هایی را تدارک دیدند که در آن جایگاه بهره‌گیری از فناوری اطلاعات در نظر گرفته شده بود. به هنگام تدریس دانشجو

موظف بوده است از این تکنولوژی به نحو شایسته بهره‌برداری نمایند. هم‌چنین از نرم افزارها و شبکه‌های مجازی به نحو مقتضی در تدریس خود استفاده نماید. در پژوهش‌های تکلیفی کلاس از فناوری اطلاعات بهره‌برداری نماید. در ایجاد جلوه‌های ویژه در پاور خود استفاده نماید. در مدیریت زمان و مدیریت کلاس از فناوری اطلاعات به نحو شایسته بهره‌برداری کند. یکی از اساتید در مصاحبه خود گزارش داده بود:

«گروهی از دانشجو معلمان علاقمند شده بودند برای تسلط در کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات خارج از دانشگاه فرهنگیان در دوره ICDL شرکت نموده، ضمن اخذ گواهینامه‌ی مربوط در توسعه‌ی حرفه‌ای خود و نیز بهره‌برداری هر چه بهتر از این فناوری در آموزش‌های کلاسی و مدرسه‌ای استفاده نماید. این اقدام شایسته نشان می‌دهد که این دسته از دانشجویان بهره‌گیری از ابزار تکنولوژیکی را مهم دانسته، فراتر از سرفصل‌های دانشگاهی برای تجهیز خود اقدام نموده اند.»

ایجاد فرصت‌های یادگیری کاربرد دیگری از فناوری اطلاعات و ارتباطات بوده است که دسته‌ای دیگر از تجارب زیسته را به خود اختصاص داده بود. این تجارب عبارت‌اند از: کاربرد لحظه‌ای دستگاه دیتا در حین تدریس، پرسش و پاسخ از طریق نرم‌افزار، ارزیابی تشخیصی از طریق رایانه، مراجعه به پایگاه‌های آموزشی، نمایش تصویر، متن یا تمرین برای یادگیری تکمیلی، نمایش برترین تمرین‌های دانش‌آموزان برای یادگیری تکمیلی. بدین ترتیب دانشجو معلمان با هدایت، اساتید خود به ایجاد فرصت‌های یادگیری با استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات پرداخته بودند.

بنابراین ۶۲ کدگذاری در قالب ۴ مقوله شناسایی شده به طوری که حوزه کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش و تدریس با فراوانی ۲۴ دارای بیشترین تکرار و بعد از آن کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در توسعه حرفه‌ای خود با فراوانی ۱۷ بیشترین فراوانی را داراست.

سؤال ۴: تجارب زیسته (اساتید) در مورد ارتباط با چگونگی فرصت‌های ایجاد شده جهت آشنایی دانشجویان با حفظ سوابق و شواهد جمع‌آوری شده، ارائه بازخورد و تحلیل رفتار آموزشی دانش‌آموزان چیست؟

در جریان کدگذاری داده‌های معطوف به تحلیل رفتار آموزشی تعداد چهار مقوله اصلی به دست آمد. این موارد عبارتند از: ۱- بهره‌برداری بهینه از فرصت‌ها و موقعیت‌های رفتار آموزشی دانش‌آموزان، ۲- توانایی تحلیل رفتار آموزشی، ۳- توانایی گردآوری شواهد تحصیلی دانش‌آموزان، ۴- توانایی ارائه بازخورد مناسب وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان.

جدول ۵- یافته‌های پژوهش در مرحله کدگذاری باز و محوری تجارب زیسته اساتید در ارتباط با حفظ سوابق و

شواهد جمع‌آوری شده، ارائه بازخورد و تحلیل رفتار آموزشی دانش‌آموزان

مقوله اصلی	مقوله های فرعی	فراوانی مقوله اصلی
بهره‌برداری بهینه از فرصت‌ها و موقعیت‌های رفتار آموزشی و دانش‌آموزان	تحلیل رفتار آموزشی دانش‌آموزان در واحد درسی ارزشیابی یادگیری	۱۶
	تفسیر شاخص‌های آماری ناشی از تحلیل رفتار دانش‌آموز توسط دانشجو در درس ارزشیابی	
	تجزیه و تحلیل مشاهدات در کلاس درس و تحلیل رفتار آموزشی معلمان بصورت کیفی	
	دادن بازخورد مناسب به دانش‌آموز و اولیا آنها با در اختیار داشتن وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان	
توانایی تحلیل رفتار آموزشی دانشجویان	جمع‌آوری شواهد نخستین و ثانویه در اجرای اقدام پژوهی جهت بررسی وضعیت تحصیلی	
	جمع‌آوری شواهد تحصیلی به عنوان داده‌های مورد نیاز برای تحلیل رفتار آموزشی	
	بررسی رفتار آموزشی دانش‌آموزان و دادن بازخورد از آن مهارت به آن‌ها	۱۱
	تحلیل رفتار آموزشی دانش‌آموزان در واحد درسی روش تحقیق	
توانایی گردآوری شواهد تحصیلی دانش‌آموزان	تجزیه و تحلیل رفتار آموزشی توسط دانشجویان	
	پردازش به تحلیل رفتار آموزشی دانش‌آموزان در مدرسه	
	تحلیل رفتار آموزشی با استفاده از نرم افزار SPSS در درس سنجش و اندازه‌گیری	
	آموزش روش جمع‌آوری شواهد تحصیلی در یک کار اقدام پژوهی	۴۵
	آموزش بهره‌برداری تحلیلی از سوابق آموزشی دانش‌آموزان	
	بررسی پرونده تحصیلی دانش‌آموز جهت تحلیل رفتار آموزشی	
	فرآوری داده‌های تحصیلی جهت تحلیل رفتار آموزشی	
	تحلیل کیفی و کمی درس‌هایی چون ارزشیابی یادگیری و روش تحقیق	
	بررسی دفتر ارزشیابی تحصیلی کلاس واقعی و تحلیل داده‌های آن	
	تحلیل رفتار آموزشی و بررسی سوابق تحصیلی از طریق اقدام پژوهی	
	اجرای فرایند تحلیل رفتار آموزشی در درس ارزشیابی تحصیلی	
	تجزیه و تحلیل داده‌ها و تحلیل آمورشی سوابق تحصیلی دانش‌آموزان	
	آشنایی با شاخص‌های کمی و کیفی تحلیل رفتار آموزشی	
تحلیل رفتار دانش‌آموزان در درس روش تحقیق و آمار بر حسب موضوع		
تفسیر شاخص‌های آماری نمرات ارزشیابی در درس ارزشیابی یادگیری		
مستندسازی سوابق تحصیلی دانش‌آموزان		
تجزیه و تحلیل نمرات تحصیلی دانش‌آموزان با استفاده از شاخص‌های آماری		
تفسیر یافته‌های علمی رفتار آموزشی در درس روش تحقیق		
بررسی وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان از طریق اقدام پژوهی		
توانایی ارائه بازخورد مناسب وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان	بررسی سوابق تحصیلی دانش‌آموزان توسط دانشجو و دادن بازخورد لازم میانگین، رتبه درصدی، درصد پیشرفت	۵
	انتخاب عناوین پژوهشی منطبق بر رفتارهای آموزشی و تحلیل با نرم افزار SPSS	

توصیف مفاهیم استخراج شده در مورد تحلیل رفتار آموزشی دانش‌آموزان

در مورد بهره‌برداری بهینه از فرصت‌ها و موقعیت‌های رفتار آموزشی انعکاس چندتجربه‌ای مفید و مؤثر وجود داشته است. در درس ارزشیابی یادگیری دانشجویان موظف بوده‌اند نمرات آزمون دانش‌آموزان را تحلیل نمایند، هم‌چنین شاخص‌های آماری آن را تفسیر کنند. در هنگام کارورزی مشاهدات خود از درس معلم راهنما را در قالب یک سیاهه ارزیابی نموده و داده‌های کمی آن را تحلیل، هم‌چنین داده‌های کیفی آن را تشریح نمایند. دانشجویان موظف بوده‌اند با استفاده از شاخص‌های آماری بازخورد وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان به اولیای آن‌ها را تهیه و به کلاس ارایه دهند. این مجموعه تجارب نشان می‌دهد که دانشجو معلمان با هدایت اساتید تجارب عملی متنوعی از رفتار آموزشی دانش‌آموزان را تجربه نموده‌اند.

تحلیل رفتار آموزشی مستلزم استفاده از آمار و نرم‌افزار است. در این رابطه اساتید مربوطه ترتیبی اتخاذ نموده بودند تا دانشجویان در راستای واحدهای درسی ارزشیابی تحصیلی، سنجش و اندازه‌گیری و روش تحقیق کاربردی، داده‌های مربوط به رفتار آموزشی دانش‌آموزان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته، با استفاده از نرم‌افزار SPSS این داده‌ها را پردازش و جداول، نمودارها و شاخص‌های آن را به صورت گزارش تنظیم و ارایه دهند. این مجموعه فعالیت‌ها گویای آن است که دانشجویان معلمان به صورت کاربردی رفتار آموزشی دانش‌آموزان را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند. در خاطرات نوشته شده‌ی یکی از اساتید آمده است:

«به بهانه‌ی برپایی نمایشگاه دستاوردهای علمی دانشجویان مقرر شده بود پژوهش‌های برتر که معطوف به تحلیل رفتار آموزشی بوده است، انتخاب و در نمایشگاه از آن‌ها تقدیر شود، به همین دلیل این برنامه از آغاز ترم به دانشجویان اعلام گردید. آن‌ها کارهای عملی خود را برای ویرایش، رفع اشکال به استاد روش تحقیق ارایه می‌دادند. در پایان ترم استاد مشاهده نمود با توجه به کیفیت مطلوب کارهای دانشجویان نمی‌تواند از بین تعداد ۶۴ نفر دانشجویان دو نفر را انتخاب کند، به ناچار همه‌ی کارهای آن‌ها را به صورت طبقه‌بندی شده در نمایشگاه شرکت داد و به طور جمعی از آن‌ها تقدیر گردید.»

این نشان می‌دهد که اگر برای دانشجو یا فراگیر انگیزه‌ی کافی فراهم شود، از فرصت‌هایی که برای او فراهم می‌آید، نهایت بهره‌برداری را می‌نماید. بی‌تردید همین دانشجویان پس از آن که مدارس مستقر شدند، از چنین رویکردهایی برای ایجاد انگیزش در دانش‌آموزان خود بهره‌برداری خواهند نمود.

از دیگر تجارب زیسته‌ی تحلیل رفتار آموزشی که توسط اساتید مطرح شده بود، توانایی گردآوری شواهد تحصیلی دانش‌آموزان بود. در انعکاس این تجارب آمده بود دانشجویان معلمان موظف بودند در اجرای یک کار اقدام پژوهی به گردآوری شواهد نخستین و ثانویه بپردازند. هم‌چنین از طریق مراجعه به دفتر ارزشیابی تحصیلی مدرسه سوابق تحصیلی دانش‌آموزان را ثبت نمایند. این داده‌های فرآوری شده را از زوایای کمی و کیفی مورد ارزشیابی قرار دهند. سپس با استفاده از

روش‌های آماری آن را تحلیل کنند. در درس‌های سنجش و اندازه‌گیری و روش‌های تحقیق تفسیر شاخص‌های آماری به دانشجویان آموزش داده شد و بهره‌برداری از نرم‌افزار SPSS در حد بضاعت دانشگاه به آن‌ها آموزش داده شد. همچنین مستندسازی سوابق تحصیلی دانش‌آموزان برای دانشجویان اجرا گردید که به نظر می‌رسد این تجارب توانسته باشد در حد قابل قبول دانشجویان را با گردآوری شواهد تحصیلی، مستندسازی و تحلیل آن‌ها توانمند نموده باشد.

از دیگر تجارب زیسته‌ی بازگوشده توسط اساتید ارایه بازخورد مناسب از وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان بود. در این رابطه روش بهره‌برداری از سوابق تحصیلی، شاخص‌سازی، تفسیر شاخص، انتخاب بهترین شاخص و ارایه‌ی بازخورد به دانش‌آموزان و اولیای آن‌ها آموزش داده شد. در این رابطه بهره‌برداری از نرم‌افزار SPSS آموزش داده شد و توسط دانشجویان تجربه گردید. بدیهی است که دریافت بازخورد تحصیلی توسط دانش‌آموز و والدین آن‌ها در برانگیختگی و ترغیب آن‌ها برای جبران تحصیلی، پیشرفت تحصیلی و رشد و تعالی اثرگذار خواهد بود. در مجموع به نظر می‌رسد تجارب زیسته‌ی مذکور که در مصاحبه‌های اساتید انعکاس داشته است، توانسته باشد دانشجویان را در توانمندسازی تحلیل رفتار آموزشی دانش‌آموزان رهنمون گردد. بنابراین ۷۷ کدگذاری در قالب ۴ مقوله شناسایی شد، به طوری که در حوزه توانایی گردآوری و تحلیل رفتار شواهد تحصیلی دانش‌آموزان با فراوانی ۴۵ دارای بیشترین تکرار بود.

بحث و نتیجه‌گیری

کاوش تجارب زیسته اساتید دانشگاه فرهنگیان نشان داد که روش‌های تدریس به کار رفته در دانشگاه فرهنگیان در ابعاد نظری و عملی با اهداف قصد شده‌ی برنامه‌درسی مطابقت دارد. تجربه زیسته موفق آنان در این حوزه تنوع فعالیت‌ها و تجاربی است که اساتید برای دانشجویان در تدریس طراحی و اجرا کرده‌اند، اما تجربه زیسته ناموفقی که اساتید در این حوزه داشتند این بود که در بسیاری از موارد که دانش‌شناختی و نظری در حوزه برترین روش‌های تدریس وجود داشت، به دلیل عدم وجود امکانات و ملزومات لازم برای به کارگیری این روش‌های تدریس، امکان استفاده از این روش‌ها در روس برای آنان مقدور نبود و در نتیجه تدریس آنان از اثربخش لازم برخوردار نبود، در صورتی که عمل‌گرایی از مهم‌ترین رویکردهای برنامه‌درسی دانشگاه تربیت معلم می‌باشد و پیشینه موجود در مورد روش‌های تدریس در دانشگاه فرهنگیان نیز گویای وجود تجارب نسبتاً مطلوب بوده است. به طوری که این تجارب زیسته را رو به بهبود و توسعه ارزیابی نموده‌اند (Abbasi, 2015) و در اکثر پژوهش‌ها انجام گرفته تجارب روش‌های تدریس در تربیت معلم یک

مزیت تلقی شده است (Barnes & Adrienn, 2018: Sentence, 2018: Symeonidis, 2017:) (Walker, 2013).

در مورد تجربه اعضای هیات علمی در اثربخشی تدریس، موارد زیر بسیار کلیدی و حیاتی هستند. توصیف تمرین ذهن آگاهی دانشجویان معمولاً یا توجه عمدی به آنچه در حال حاضر اتفاق می‌افتد اشاره دارد و در این تحقیق مشخص شد که آموزش آگاهانه برای تقویت آگاهی افراد به معانی آنچه تدریس می‌شود، امری ضروری است. توجه در آموزش و شناخت معنای آنچه مورد توجه قرار گرفته است، به معلم «فرصتی برای عمل مناسب» می‌دهد. این امر باعث ایجاد «تصویر» تفاهم در میان دانشجویان و امکان پاسخ‌های جدید و مثبت‌تر آنان می‌شود. این نوع توجه را به عنوان «توجه منضبط شده و نه پراکنده و سرسام آور» می‌توان نامید. بسیاری از دانشجویان این مفهوم را به طرق مختلف تایید کردند که بیشتر در قالب آموزش به نیازهای فراگیران و پاسخ به آنچه در یک لحظه مورد نیاز آنان است توجه می‌شود که این نشان می‌دهد توجه آگاهانه در دانشجویان، مهارتی است که استاد می‌تواند در آنان توسعه دهد، در حالی که توجه دقیق‌تر و سازمان‌دهی‌شده‌تر، خواسته‌های زیادی را برای شخص ایجاد نمی‌کند، با این حال، این یک عمل مهم است که «به هیچ‌وجه یک موضوع پیش پا افتاده» نیست. این درک شبیه به تشخیص این است که تمرین ذهن آگاهی ممکن است ساده به نظر رسد، اما این یک هنر دشوار و پیچیده است که به تمرین متعهد و منظم نیاز دارد. به علاوه، باز بودن و استقبال یکی دیگر از مضامین ضروری است که در تدریس بسیار مهم و ضروری است. این یافته نشان می‌دهد که چگونه ذهن باز و خلاق و باز اساتید در هنگام آموزش و چرخش و تغییر رویه استاد به سمت تجربه در لحظه تدریس می‌تواند جذابیت تدریس را افزایش داده و دانشجویان را بیشتر علاقه‌مند به یادگیری نماید (Grossman, 2015). استاد با ذهن باز، پذیرای جریان اطلاعات حسی، احساسات و افکاری است که در تجربه ذهنی رخ می‌دهد (Purser & Milillo, 2015). بنابراین تدریس آگاهانه به معنای باز بودن و پذیرا بودن اساتید نسبت به تجربیات خود در طول تدریس است.

در فضایی از حجم کاری فزاینده و محیط آکادمیک تحت فشار، بر مراقبت اساتید در رابطه با دانشجویان در هنگام تدریس تأکید می‌شود. مراقبت و احترام به دانشجویان در رابطه دانشجویان و استاد برای نتایج یادگیری بهتر مهم است (Myers, Goodboy & Members, 2014). یکی دیگر از معانی درک شده در تدریس توسط اساتید، کمک به خود مدیریتی و کنار آمدن بهتر آنان با محیط دانشگاهی تحت فشار است. هنگامی که اساتید اهداف خود را در تدریس تعیین می‌کنند، توجه و آگاهی بخشیدن به احساسات، عواطف و افکار، فرصتی برای باز بودن و استقبال نسبت به آنچه پیش می‌آید را برای آنان به ارمغان می‌آورد. بنابراین، در مورد کاربرد زبان هنر در برنامه‌ی درسی

رشته‌ی آموزش ابتدایی آنچه از تجارب زیسته‌ی اساتید مصاحبه‌شونده به دست آمد، نشان می‌دهد فعالیت‌ها و تجارب یادگیری که اساتید این حوزه از برنامه‌درسی برای دانشجویان طراحی و اجرا کرده‌اند، بسیار متنوع و جذاب بوده است. استفاده از زبان هنر در آموزش در تقویت قابلیت‌های دانش‌آموزان و کنترل و تخلیه هیجان‌های دانش‌آموزان بیشترین فرصت‌های یادگیری را به خود اختصاص داده است. با توجه به اینکه استفاده از زبان هنر و زیبایی‌شناسی یکی از مهارت‌های اساسی و بنیادی برای معلمان در رشته آموزش ابتدایی به حساب می‌آید لذا در برنامه‌درسی این رشته واحدهایی از جمله مبانی آموزش هنر، کاربرد هنر در آموزش، کارگاه‌های هنر ۱ و ۲ و ۳ تعریف شده است که این خود نشان از اهمیت زبان هنر در رشته آموزش ابتدایی دارد. تجربه‌ی زیستی ناموفقی که در این حوزه از برنامه‌درسی می‌توان به آن اشاره کرد در دو مقوله‌ی کاربرد زبان هنر در تعلیم و تربیت و کاربرد زبان هنر در توسعه حرفه‌ای فرصت‌های یادگیری کمتری ارائه شده است. همه‌ی فعالیت‌هایی که در این حوزه توسط اساتید ارائه شده است در حیطه شناختی و مهارتی می‌باشد در صورتی که برنامه‌درسی هنر بیش از سایر برنامه‌های درسی به دستیابی اهداف آموزشی در حیطه‌ی عاطفی نیاز دارد و ایجاد نگرش مطلوب نسبت به کاربرد هنر در آموزش و استقبال دانشجویان از برنامه‌های درسی هنر ضعیف برآورد شده است (Qureshi, 2017).

در مورد بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات تجارب زیسته‌ی اساتید نشان می‌دهد که در این حوزه از برنامه‌درسی فرصت‌های متنوعی برای دانشجویان فراهم آمده است. با توجه به اهداف برنامه‌درسی آموزش ابتدایی اساتید توانسته‌اند کاربرد فناوری در آموزش و تدریس و غنی‌سازی آموزش و توسعه حرفه‌ای دانشجویان تجارب و فرصت‌های یادگیری مناسب و مرتبطی را طراحی و اجرا نمایند، اما تجربه‌ی زیسته‌ی منفی که در این حوزه از برنامه‌درسی مشاهده می‌گردد، اساتید در زمینه‌ی خلق و تولید و به کارگیری خلاقانه‌ی فناوری برای ایجاد فرصت‌های یادگیری فعالیت‌های معنی‌داری را برای دانشجویان طراحی و اجرا نکرده‌اند.

در مورد تحلیل رفتار آموزشی دانش‌آموزان آنچه که از تجارب زیسته‌ی اساتید به دست آمد، بیشترین فرصت‌ها و فعالیت‌هایی که دانشجویان انجام دادند در راستای جمع‌آوری اطلاعات، شواهد تحصیلی دانش‌آموزان از راه‌های مختلف بوده است که این فعالیت‌ها در راستای واحدهای درسی سنجش و اندازه‌گیری، روش پژوهش و آمار کاربردی و ارزشیابی تحصیلی اجرا گردید. تجربه‌ی زیسته‌ی ناموفقی که در این حوزه از برنامه‌درسی دیده می‌شود استفاده از شواهد و اطلاعات و توانایی تحلیل این اطلاعات و شواهد و ارایه بازخورد مناسب در مورد وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان می‌باشد که اساتید در این موارد فعالیت‌ها و فرصت‌های یادگیری معناداری به اندازه‌ی کفایت و لزوم ارائه نکرده‌اند. آنچه از یافته‌های پیشینه موجود به دست آمد نشان می‌داد که گرچه پژوهش‌هایی که مستقیماً تحلیل رفتار آموزشی را در دانشگاه‌های فرهنگیان و تربیت معلم

هدف‌گذاری کرده باشد، به ندرت مشاهده گردید و این یک خلاء مطالعاتی محسوب می‌شود، ولی پژوهش‌هایی که توانایی ارزشیابی تحصیلی را در زمره‌ی صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان دانسته و احراز این صلاحیت را در دانشگاه تربیت معلم و فرهنگیان برجسته نموده بودند، مواردی وجود داشت که می‌توان گفت انتظارات یافته‌های موجود در پیشینه پژوهش هم راستای انتظارات و هدف‌گذاری تحلیل رفتار آموزشی در دانشگاه فرهنگیان بوده است (Soleimanpour & Ghaffari, 2011; Amrullah & Hakimzadeh, 2014; Sitthipon, 2014; Walker, 2013; Hazeghi Rad, 2015).

بر اساس نتایج به‌دست آمده پیشنهاد می‌شود که اتخاذ روش‌های تدریس اعم از محیط آموزشی دانشگاه فرهنگیان و مدارس می‌بایست به دور از هرگونه تعصب شخصی و تصمیم‌گیری تجویزی قبلی صورت پذیرد یعنی به اقتضای شرایط سیار و در حال تغییر کلاس درس و فراگیران اتخاذ شود آن‌چنان که ایجاد فرصت‌های یادگیری می‌بایست به تناسب شرایط موجود صورت پذیرد و روش‌ها و فنون تدریس بخشی از وظایف حرفه‌ای معلمان است که باید آموخته شود، اندوخته گردد و در کلاس به کار بسته شود و در برنامه‌درسی دانشجو معلمان با رویکرد عملی و علمی اجرا گردد. در راستای کاربرد منعطف زبان آموزش پیشنهاد می‌شود فرصت‌های یادگیری عملیاتی در برنامه‌درسی دانشجویان به منظور توانمندی در این حوزه در دستور کار قرار گیرد و در رابطه با کاربرد زبان هنر پیشنهاد می‌شود در برنامه‌درسی دانشجو معلمان به سه حوزه یادگیری هنری از جمله هنرهای نمایشی، هنرهای تجسمی و هنرهای ادبی پرداخته شود و با تهیه مواد و منابع یادگیری از جمله کتاب‌های درس هنر، کارگاه هنر و به کارگیری ظرفیت فناوری اطلاعات و ارتباطات به غنی‌سازی محیط یادگیری واحدهای هنر اهتمام ورزیده شود.

به‌علاوه، با توجه به نسل رسانه‌ای و تغییر اکولوژی یادگیری از فضای مدرسه به محیط بسیار غنی خارج از مدرسه، لزوم بهره‌برداری بهینه از فرصت‌ها و ظرفیت‌های ارتباطات و فناوری در یادگیری خارج از نظام آموزش رسمی برای معلمان از واجبات است و از این رو باید آموزش مهارت‌های مربوطه به جد مورد توجه قرار گیرد و از سوی دیگر ارزشیابی و تحلیل رفتار آموزشی با توجه به ویژگی‌ها، توانمندی‌ها، علایق و انتظارات متفاوت دانش‌آموزان و بر اساس ابعاد گوناگون شخصیتی آنان و ایجاد ارزشیابی پویا در برنامه‌درسی دانشجو معلمان توجه شود.

منابع

- Abbasi, H. (2015). Review of the new curriculum of Farhangian University. Third National Millennium Conference on Humanities. Shiraz: *Center for the Development of Modern Education in Iran*[Persian].
- Aguas, P. P. (2020). Key Stakeholders' Lived Experiences While Implementing an Aligned Curriculum: A Phenomenological Study. *The Qualitative Report*, 25(10), 3459-3483[Sciences][Persian].
- Amrullah, O; H, R. (2014). A Comparative Study of the Quality Assessment System of Teacher Training Curriculum in South Korea, England and Iran. *Higher Education Curriculum Studies Quarterly*. 5 (9). 25-7[Persian].
- Asadi Garmaroodi, A; Sharifzadeh, A. (2013). *Farhangian University is the pinnacle of the fundamental transformation of education*. Tehran: Madrasa Publications[Persian].
- Barnes ,Adrienn.E.(2018).Improving teacher training in Ethiopia:Shifting the content and approach of pre-service teacher education. *The Journal of Elsevier*.(70).1-11.
- Colaizzi, P. F. (1978). *Psychological research as the phenomenologist views it*.
- Creawell,j.w.(2007).*Qualitative Inquiry and Research design: choosing Among five Approaches* (Hird Education). Sage publication.
- De Warren,N.(2012). Andrea staiti,Geidtigkeit,Leben und geschichtliche welt in der Transzendente aphanomenologie.Husserl's. *Husserel Sudies*.
- Dehghan, A.M.; Mehram, B.. (2016). Evaluation of Farhangian University curriculum in terms of teacher-researcher training. *Bi-Quarterly Journal of Higher Education Curriculum Studies*. 7 (13). 100- 78[Persian].
- Derakhshanfard, P. (2015). Evaluating the quality of the educational sciences curriculum of Farhangian University of Dezful. The first international conference on modern research. Tehran: *Soroush Hekmat Mortazavi Center for Islamic Studies and Research*[Persian].
- Djuwairiah ,A., Mardiana, M ., Kaharuddin, K. (2021) *Meeting the Students' Expectations: Evaluating the Implementation of English Language Teaching Curriculum*. Elementary Education Online, 20 (3). pp. 165-176.
- Eslami, Musapour, & Sadeghi. (2021). Studying the lived experience of the instructor of the internship course at Farhangian University. *Curriculum Research*, 10(2), 201 221 [Persian].
- Farhangian University. (A.2016). Farhangian University Strategic Plan in Horizon Vision 1404, Tehran: *Farhangian University Press*[Persian].
- Giannouli, V., & Vorvilas, G. (2023). Barriers in fostering critical thinking in higher distance education: faculty members' perceptions. *Mediterranean Journal of Education*, 3(1), 17-27.
- Grossman, P. (2015). Mindfulness: Awareness informed by an embodied ethic. *Mindfulness*, 2015(6), 17-22. doi:10.1007/s12671-014-0372-5
- Gul,s.(2011).Critical realism and project management : Revisiting the noumenal and phenomenal. *African Journal of Business management*.5(31).12212-12221.
- Hazeghi Rad, M. (2015). Evaluation of Farhangian University curriculum in terms of compliance with teachers' educational needs. National Conference on Psychology of Educational and Social Sciences. Sari: *Scientific Research Institute of Knowledge Scientists*[Persian].
- Hill, C. J., Barrasso, A. P., & Spilios, K. E. (2023). A Mixed-Methods Analysis of Perspectives Toward Learning Assistant-Faculty Relationships Breadcrumb. *Journal of College Science Teaching*, 52(3).
- Jabbari, S. (2020). Assessing the desirable professional qualifications of elementary school students. *Educational Innovation Quarterly*. 11 (4). 62-33[Persian].

- Kazemi, F; Shahmirzadi, M. (2010). *Teacher training system*. Tabriz: Reza Publishing[Persian].
- Myers, S. A., Goodboy, A. K., & Members of, C. (2014). College student learning, motivation, and satisfaction as a function of effective instructor communication behaviors. *Southern Communication Journal*, 79(1), 14-26. doi:10.1080/1041794x.2013.815266.
- Nazir,J.(2016).using phenomenology to conduct environmental education research: Experience and issues. *The Journal of Environmental Education*. 47(3).pp179-190
- Nicol,R.(2014).Entering the Fray: The rol of outdoor education in providing nature-bases experiences that matter. *Education philosophy and theory*.46(5).pp449-461.
- Pakzad, Khosravi Babadi, Pusheneh, Asareh, & Rezazadeh. (2021). Analysis of lived experience of university professors in evaluating student learning outcomes. *Educational Measurement and Evaluation Studies*, 10 (32), 83-146.
- Purser, R. E., & Milillo, J. (2015). Mindfulness revisited: A Buddhist-based conceptualization. *Journal of Management Inquiry*, 24(1), 3-24. doi:10.1177/1056492614532315.
- Qudusi, F; Musapur, N; Faqih, A.R. (2017). Phenomenology is a new approach in understanding the undergraduate curriculum of educational sciences. National Congress of Higher Education of Iran. *Shahrekord, Farhangian University*[Persian].
- Qurani Sirjani, S., Aiti, M., Qudsipour, S. H., & Rostaminejad, M. A. (2022). Explaining the current pattern of faculty members' decision-making in classroom lesson planning: a foundational data theory. *Curriculum Research*, 12(1), 206-236[Persian].
- Qureshi,Azhar.(2017). A phenomenological case study of Pakistani science teachers Experiences of professional development. *Georgia state university*.
- Sentence,sue. (2018). Computing in the curriculum: challenges and strategies from a teacher's perspective. *Educ inf Technol*. (22). 469-495.
- ShahTalebi, S; Tasdighi, F. (2015). Challenges of teaching at the university. *Quarterly Journal of Research in Curriculum Planning*. 17 (44) - 25- 15.
- Shawer, Saad F. (2017). Teacher-driven curriculum development at the classroom level: Implications for curriculum, pedagogy and teacher training. *Journal Contents lists available at Science Direct. Teaching and Teacher Education* .Vol(63) .PP 296-313..
- Sitthipon,Artin.(2014). The development of teacher training curriculum on learning management to develop students analytical thinking in Thailand.procedia- social and Behavioral sciences. (116).939.945.
- Soleimanpour, J; Ghaffari, M. (2011). Comparison of teachers 'and students' views on teacher evaluation of ICT teacher education curriculum based on philosophical and social principles. *Quarterly Journal of Information and Communication Technology in Educational Sciences*. 2 (1). 76- 59[Persian].
- Symeonidis,vasileios. (2017). Phenomenon on – Based teaching and learning thought the pedagogical lenses of phenomenology: The recent curriculum R. *www. Reasearchgate .net*
- Todorova ,Maria.(2017). Pre-service teachers' professional vision of instructional support in primary science classes: How content-specific is this skill and which learning opportunities in initial teacher education are relevant for its acquisition? .The journal of Science Direct. *Teaching and Teacher Education*.vol 68 .PP 275-288.
- Voogt, J.(2011). Teacher learning in collaborative curriculum design. Journal Contents lists available at ScienceDirect. *Teaching and Teacher Education* .Vol(27) .pp 1235-1244.
- Walker.D.F.(2013).*Fundaments of curriculum: Passion and professionalism*.Lawrence Erbaum Assciotes , Publisher.2ed.

Extended Abstract

Farhangian University Instructors' Lived Experiences of Teaching Methods, Familiarity with the Language of art, Familiarity with Technology, and familiarity with the Learning Behavior Analysis of Learners in the Implemented Curriculum of Elementary Education: A Phenomenological Study

Maryam Saydi¹, Faiezeh Nateghi², Mohammad Seifi³, and Alireza Faqih⁴

Introduction

One of the key factors in the development of each country is the ongoing training of human resources. In this regard, the education system and teachers, as the major pillars of education, have a huge responsibility. Adaptation of curriculum to the needs of learners and society, the time allocated to the training and implementation of the curriculum, and the space, facilities, and equipment necessary for the implementation of the curriculum, or, to put it more clearly, an understanding of the inputs necessary for the implementation of the curriculum are all vital to the success of the curriculum. It is not possible to ignore the process of curriculum implementation and assume that the curriculum will be implemented in practice as intended. For various reasons, the curriculum may undergo several changes during the process of its implementation. Therefore, according to the objectives set forth in the elementary education curriculum, the question that arises is whether the proposed curriculum is being implemented based on the intended curriculum at the university level.

Research Questions

The general question of the study was as follows:

What are the teachers' lived experiences of teaching methods, familiarity with the language of art, familiarity with technology, and familiarity with the analysis of the learning behavior of learners in the implemented curriculum of elementary education at Farhangian University?

The main questions of the study were as follows:

- 1) What are the instructors' lived experiences in relation to the opportunities created to familiarize students with teaching methods in elementary school?
- 2) What are the instructors' lived experiences in relation to the opportunities created using the language of art to familiarize students with the development of cognitive abilities such as imagination, creativity, and thinking in learners?
- 3) What are the instructors' lived experiences in relation to the opportunities created to familiarize students with the use of information and communication technology to create educational opportunities and develop their professional abilities?

1. Instructor, Faculty of Educational Sciences, Farhangian University, Arak, Markazi Province, Iran (Corresponding Author) (m.saydi2013@gmail.com)

2. Assistant Professor, Faculty of Educational Sciences, Islamic Azad University, Arak Branch, Markazi Province, Iran (Fn1345@gmail.com)

3. Assistant Professor, Faculty of Educational Sciences, Islamic Azad University, Arak Branch, Markazi Province, Iran (seifiarak@gmail.com)

4. Assistant Professor, Faculty of Educational Sciences, Islamic Azad University, Arak Branch, Markazi Province, Iran (Faghihialireza@yahoo.com)

4) What are the instructors' lived experiences in relation to the opportunities created to familiarize students with keeping records, collecting evidence, providing feedback, and analyzing their educational behavior?

Research Method

This applied qualitative research adopted Husserl's descriptive phenomenological method. In this method, an attempt is made to understand and discover the meanings created by and attributed to different phenomena, and its findings are used for optimal decision-making and action (Gul, 2011). Accordingly, in the present research, the three stages of Husserl's phenomenology were implemented. These steps included the following: 1- a phenomenological study of the curriculum implemented for undergraduate students of elementary education at Farhangian University, 2- An analysis of interviewees' ideas about the experienced phenomena, i.e., the implementation of the curriculum, 3- A description of the qualitative data collected from the interviews. The research participants were teachers of educational sciences teaching in Arak Farhangian University. In some cases, each participant teacher was interviewed several times. The inclusion criterion for selecting participants was their teaching experience in the field of elementary education at Farhangian University. Initially, a semi-structured interview was conducted with the selected participants, and their lived experiences concerning the above-mentioned topics were collected. The interview questions were designed based on the objectives of the curriculum used in the undergraduate elementary education program at Farhangian University. In the curriculum approved and communicated for the elementary education program at Farhangian University (AsadiGarmaroodi & Sharifzadeh, 2013), 10 goals are assumed for teacher training in the field of elementary education. Important keywords taken from these 10 macro goals were used to design the interview.

Results

The findings regarding the instructors' lived experiences in relation to the opportunities created to familiarize students with teaching methods in the subject areas of elementary school were classified into four main categories as follows: 1- knowledge of teaching strategies, 2- the experience of thematic teaching, 3- the experience of implementing the exploratory teaching method, and 4- the experience of implementing the active teaching method. The findings pertinent to the instructors' lived experiences in relation to the opportunities created by the language of art to familiarize students with the development of cognitive abilities such as imagination, creativity, and thinking in learners can be divided into the six following main categories: 1- familiarity with the language of art, 2- inclusion of the language of art in any of the materials to strengthen students' abilities, 3- teaching and training, 4- classroom training, 5- controlling students' emotions, and 6- professional development. As regards the instructors' lived experiences in relation to the opportunities created to familiarize students with the use of information and communication technology to create or enrich educational opportunities and develop their professional abilities, the findings were placed into the following four main categories: 1- enrichment of education, 2- professional development, 3- education and teaching, and 4- the creation of learning opportunities. Findings related to the instructors' lived experiences in relation to the opportunities created to familiarize students with keeping records, collecting evidence, providing feedback, and analyzing students' educational behavior were organized into four main categories as follows: 1- optimum use of opportunities and situations associated with students' educational behavior, 2- the ability to analyze educational behavior, 3- the ability to collect students' academic evidence, 4- the ability to provide appropriate feedback on students' academic status.

Discussion and Conclusions

Farhangian University instructors' lived experiences of teaching methods in both theoretical and practical dimensions were found to be consistent with the intended goals of the curriculum. This was reflected in the designing and implementation of a variety of activities and experiences in their teaching. However, their unsuccessful lived experiences concerned the many instances in which although they had the cognitive and theoretical knowledge

germane to the best teaching methods they could not utilize those teaching methods in their teaching due to the lack of necessary facilities and equipment, which, in turn, suggested that their teaching was not effective. This is despite the fact that the practical implementation of teaching methods is considered as one of the most important aspects of the curriculum of Farhangian University. To sum up, the use of the language of art, information and communication technologies, and analytical skills to enhance students' abilities can create favorable learning opportunities in the curriculum of the undergraduate elementary education program at Farhangian University.

Keywords: instructors lived experiences, phenomenology, implemented curriculum, elementary education, teaching methods, learning behavior, technology

